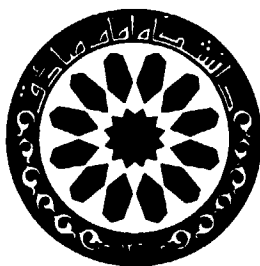


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شماره ثبت ۱۶۲
شماره ۴

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

۲۰ / ۳ / ۱۳۸۰

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد اقتصاد

کاوشی در مفهوم

اقتصاد اسلامی

0136663

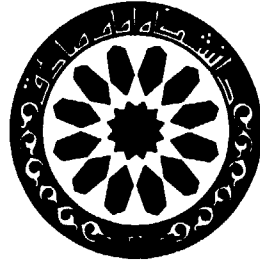
امیرعباس فرنودی

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین آقای قربانعلی درزی نجف آبادی

تابستان ۱۳۷۹

۳۶۴۸۲



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد اقتصاد

کاوشی در مفهوم اقتصاد اسلامی

امیرعباس فرنودی

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین آقای قربانعلی درّی نجف آبادی

استاد مشاور:

دکتراسدالله فرزین وش

تابستان ۱۳۷۹

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری،
ترجمه، اقتباس و... از این پایان نامه کارشناسی ارشد
برای دانشگاه امام صادق علیه السلام محفوظ است. نقل
مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

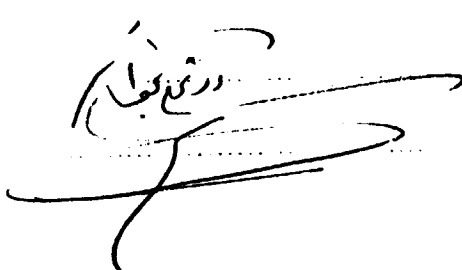
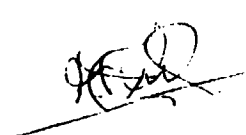
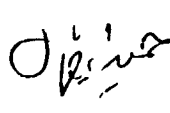
تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای آقای امیر عباس فرنودی ۶۹۳۰۷۱۸۲۲

تحت عنوان ... کاوشی در مفهوم اقتصاد اسلامی

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیوسته

پیشنهاد می کنند.

محل امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
		دکتر امیر عباس فرنودی	(۱) استاد راهنما:
		دکتر فرزین دست	(۲) استاد مشاور:
		دکتر ...	(۳) نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده:
			(۴) اساتید ناظر:
			(۱)
			(۲)

چکیده

سؤال اصلی این تحقیق این است که مفهوم اقتصاد اسلامی چیست؟ آیا انتظار اقتصاد داشتن از اسلام صحیح است، البته اگر منظور از اقتصاد، علم باشد. آیا بین تئوریهای اقتصادی و اسلام ارتباطی متصور می‌باشد؟ این ارتباط چگونه است؟ آیا منظور از اقتصاد اسلامی، علم اقتصاد اسلامی است یا نظام اقتصادی اسلام، و یا حتی منظور از آن مجموعه احکام اقتصادی است. نهایتاً آیا محور تنظیم امور اقتصادی مسلمین می‌تواند تئوریهای علم اقتصاد مرسوم به تمامه باشد؟

اسلام دین حق است و در تمام امور فردی، اجتماعی، معنوی و مادی احکام دارد و سرپرستی کامل هدایت بشر در طول تاریخ را به عهده دارد. در حوزه فقه فعلی، احکام تعیین می‌شوند و تطبیق این احکام با موضوعات پیچیده به عهده کارشناس و متخصص است لذا در تطبیق و تشخیص احکام با موضوعات، علم رکن اصلی است. علم به طور اعم و علم اقتصاد به طور اخص به صورت صرف و خالص ممکن نیست به این معنی که تئوریها نمی‌توانند عاری از پیش‌داوری، ارزش‌گذاری و جهان‌بینی باشند. بنابراین باید به موضوعات از زاویه دیگری نگریست و کلیت قضایا را در یک متن متافیزیکی اسلامی قرار داد. نگرش به آنها، جامعه، جهان و هدف از زیستن باید هم جهت باشد و در جهتی که اسلام گفته است. علم به طور خالص نمی‌تواند به توصیف پدیده‌ها بپردازد و علاوه بر این جهت‌گیری‌های کاربردی آن متأثر از جهان‌بینی، پیش‌فرضها و ارزش‌گذاریهایی می‌باشد. بنابراین اقتصاد اسلامی مفهومی متناقض نمی‌باشد و نکته آخر این که این تحقیق به مفهوم اقتصاد اسلامی پرداخته است نه مصداق آن.

واژگان کلیدی:

اقتصاد اسلامی، نظام اقتصادی، هدف نظام، سرمایه‌داری، سوسیالیسم، فقه، دین، تئوری اقتصادی.

النبة

السؤال الاصلي في هذا البحث هو مفهوم الاقتصاد الاسلامي. هل هنا علاقة بين الاسلام و النظريات الاقتصادية. ما هي كيفية هذه العلاقة. هل نريد من الاقتصاد الاسلامي علم الاقتصاد أو المكتب و النظام الاقتصادي او فقه الاقتصاد و الاحكام الاقتصادية.

الاسلام دين الحق و له احكام في كل المجالات. تطبيق هذه الاحكام مع الموضوعات المعقدة على العالم الاقتصادي. نرى هنا دوراً اساسياً لعلم الاقتصاد في هذا التطبيق. لا يمكن ان تكون النظريات الاقتصادية خالٍ و عارٍ عن الايديولوجية، القيم مفروضات خاصة و نظر الانسان الى العالم كله. بناءً على هذا، النظرة الى الموضوعات، المجتمع، العالم و الحياة تجب ان تكون في جهة واحدة و هي جهة التي تشير اليها الاسلام.

العلم لا يقدر ان يصف الظواهر و الحوادث بصورة خالصة و ايضاً الجهات الاستعمالية في العلم متأثرة من القيم و الايديولوجية و كيفية النظر الى الحياة و هذا البحث مفهومي و ليس بحثاً مصداقياً. الاقتصاد الاسلامي صحيح و ليس مفهوماً متناقضاً.

المصطلحات الاصلية :

الاقتصاد الاسلامي المكتب الاقتصادي، هدف النظام، الرأسمالية، الاشتراكية، الفقه، الدين، النظرية الاقتصادية:

فهرست مطالب

صفحه

پیشگفتار ۱

فصل اول:

مفهوم دین

۱-۱. مقدمه ۶

۲-۱. تعاریف مختلف دین و بررسی آنها ۷

۳-۱. جمع‌بندی ۱۸

فصل دوم:

تحلیل گزاره‌های دینی

۱-۲. دین بیانگر گزاره‌های سمبلیک در امور فردی و معنوی ۲۲

۲-۲. دین بیانگر گزاره‌های حقیقی در امور فردی و معنوی ۲۷

۳-۲. دین بیانگر گزاره‌های حقیقی در امور فردی و اجتماعی ۳۰

فصل سوم:

حوزه فقه

۱-۳. فقه و اعمال باطنی ۴۶

۲-۳. فقه و اعمال اجتماعی ۴۷

۳-۳. فقه و نظام‌سازی ۵۴

۵۶	۴-۳. فقه و موضوعات
۵۷	۴-۳. ۱. موضوعات شرعی
۵۸	۴-۳. ۲. موضوعات عرفی
۵۸	۴-۳. ۳. موضوعات صرفه (اعیان خارجی)
۶۱	۴-۳. ۵. منطقه الفراغ
۶۲	۴-۳. ۶. سیره و فعل معصوم
۶۳	۴-۳. ۷. حدود دخالت عقل و نتیجه آن
۶۴	۴-۳. ۸. جمع بندی

فصل چهارم:

اقتصاد و ماهیت تئوری های اقتصادی

۷۲	۴-۱. تعریف اقتصاد
۷۹	۴-۲. هدف در نظام اقتصاد سرمایه داری
۸۲	۴-۳. هدف در نظام اقتصاد سوسیالیستی
۸۳	۴-۴. هدف در نظام اقتصاد اسلامی
۸۹	۴-۵. ماهیت تئوری های اقتصادی
۹۵	۴-۶. اقتصاد علمی تجویزی
۹۷	۴-۷. علم دینی
۹۹	۴-۸. اقتصاددانان مسلمان یا اقتصاد اسلامی
۱۰۱	۴-۹. نقطه حرکت در اقتصاد اسلامی

۱۱۰..... نتیجه گیری

۱۱۳..... فهرست منابع و مأخذ

پیشگفتار

در سالهای اخیر چند موضوع در محافل علمی و فرهنگی به طور نسبی، فراوان مطرح بوده است از جمله: اسلامی شدن دانشگاه و مفهوم آن مورد بحث و مناقشه زیادی قرار گرفته است. در این میان عموماً اینگونه استدلال می‌شده است که کار علمی و تتبع و تحقیق امری مطلق است و اسلامی و غیراسلامی و یا غربی یا شرقی ندارد. علم روش خاص خود را دارد که آن نیز ارتباط به مسائل دینی و غیر آن ندارد. این مطلب نه تنها از سوی مخالفان دین بیان می‌شود بلکه برخی از متدینان نیز به آن معتقدند و لذا صحبت از علم اسلامی و یا اسلامی شدن دانشگاه را فاقد معنا یا اصولاً امری بی‌فایده می‌دانند و حداکثر برخی آن را در دایره علوم اجتماعی صادق و محتمل می‌دانند که تعداد آنها نیز چندان نیست و برای آن نیز شروطی خاص قائلند. مثل به وجود آمدن جامعه‌ای اسلامی با شرایط ویژه‌ای که در آن برخی اصول پیاده شده است.

این تحقیق بر آن است که نشان دهد آیا انتظار اقتصادی داشتن از اسلام صحیح است؟
به عبارت دیگر مفهوم اقتصاد اسلامی چیست؟ و آیا این مفهومی صحیح است اگر
منظور از اقتصاد علم باشد. آیا مباحث و تئوری‌های اقتصادی با اسلام ارتباطی دارند؟
این ارتباط بین اقتصاد، عقاید و مفاهیم ارزشی چگونه است؟ اگر ارتباطی بین علم
اقتصاد و یک نظام ارزشی مانند اسلام موجود است این ارتباط چگونه می‌باشد؟
به طور مثال آیا منظور از اقتصاد اسلامی یک علم اقتصاد خاص است و یا اقتصاد
اسلامی یک نظام خاصی همچون نظام اقتصادی سرمایه‌داری و یا نظام اقتصادی
سوسیالیستی می‌باشد؟ با توجه به این ارتباط آیا عنوان اقتصاد اسلامی صحیح است؟
اگر نه چه عنوانی مقرون به صواب می‌باشد. به طور مثال آیا نمی‌توان به جای اقتصاد
اسلامی، اقتصاددان مسلمان گفت؟ نهایتاً آیا انتظاری اقتصادی از اسلام می‌توان
داشت یا اقتصاد اسلامی تنها بیانگر مقداری احکام فقهی مثلاً در مورد تجارت و
اموری مانند آن است و یک سری قوانین حقوقی را در زمینه اقتصاد بیان می‌دارد و
تئوریها باید به گونه‌ای باشد که فقط در چارچوب این حقوق اقتصادی بگنجد و ظاهراً
با آنها تعارض پیدا نکند؟ این موضوع به نظر می‌رسد که اهمیت به سزایی در مباحث
نظری دارد و در نهایت روی مباحث کاربردی و سیاستهای اقتصادی و مدل‌های
برنامه‌ریزی موثر خواهد بود و آغاز مسیر را جهت حل مشکل و یا مشکلات اقتصادی

جامعه اسلامی روشن خواهد کرد. به عنوان نمونه محور تنظیم امور اقتصادی جامعه اسلامی ما آیا می‌تواند تئوریهای علم اقتصاد موسوم به تمامه باشد و یا شاید در برخی موارد تئوریهای سوسیالیستی می‌تواند کارساز شود و یا اصلاً باید از زاویه دیگری به مسائل نظر افکند و آنها را بررسی کرد تا مشکلات به صورت اساسی و مبنایی حل شوند. سعی شده است که در این تحقیق این مسائل تا حدودی روشن شود تا چه قبول افتد.

بدین منظور در فصل اول دین و یا به بیانی دیگر اسلام تعریف شده است و آن معنایی که از دین مطرح و مدنظر این تحقیق بوده است آمده است. در فصل دوم به تبیین گزاره‌های دینی با توجه به آن تعریفی که از دین شده بود پرداخته شده است چرا که باید حوزه دین تا حدودی توسط این دو فصل مطرح می‌شد که مشخص گردد که منظور از اسلامی که در اقتصاد اسلامی آورده می‌شود چیست. در فصل سوم به حوزه فقه به صورت مبسوط‌تری پرداخته گردیده است چرا که با توجه به تعریفی که از دین شده است دین دارای قوانین و مقرراتی است که بسیار به موضوع این پایان‌نامه مربوط است و با روشن شدن حوزه آن این مسئله آشکارتر می‌گردد. در فصل چهارم و آخر تعریف علم اقتصاد و اهداف مختلف اقتصاد آمده است. در ارتباط این مسئله با تئوریهای اقتصادی و به بیان دیگر ماهیت علم و تئوریهای علمی به طور کلی و ماهیت

تئوریهای اقتصادی به طور اخص با مثالهایی بررسی شده است و ارتباط آنها با معارف دینی و جهان‌بینی‌های مختلف سعی شده است که تبیین گردد.

در اینجا لازم است که از استاد گرانقدر جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای

دژی نجف‌آبادی نهایت تشکر و سپاسگذاری را به عنوان استاد راهنما بنمایم که با

راهنمایی‌ها و تذکرات و سعه صدرشان در به انجام رسیدن این تحقیق، این حقیر را

راهنمایی کردند و نیز از استاد عزیز جناب آقای دکتر فرزین‌وش استاد مشاور این

تحقیق نیز کمال تشکر و سپاسگذاری را دارم.

امیرعباس فرنودی

فصل اوّل

مفهوم دین

۱-۱. مقدمه

در تحقیقاتی از این دست ابتدا باید به مطالعه ایدئولوژی یا دکترین اسلامی پرداخته شود و فلسفه اسلامی که از آن اقتصاد اسلامی می‌خواهد استخراج شود باید معلوم باشد که چیست. معمولاً این مطلب (ارائه تصویری از دین و اسلام) در چند صفحه خلاصه می‌شود که این اختصار بیش از حد باعث می‌گردد که خواننده نتواند یک تصویر منسجم و مناسب از مفهوم مورد نظر به دست آورد. به نظر می‌رسد یک عامل این مطلب فروتنی نویسندگان و محققان با تجربه است که باعث خودداری آن از طرح این ایده اساسی و حیاتی می‌شود. نباید با طرح بعضی شعارهای کلی به سادگی و آسودگی از کنار این مطلب گذشت و سهل‌انگارانه موضوع را طرح کرد، به طور مثال در یک کشور اسلامی شهروندان بیش از منافع شخصی خود، به وسیله ارزشهای نوع‌دوستانه تحت تأثیر قرار می‌گیرند و این ارزشهای اخلاقی اسلامی به صورت توابعی در منحنی عرضه و تقاضا محسوب می‌گردند یا مورد نظر قرار می‌گیرند و سعی در این